

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

صفحه ۱۰۵ تا ۱۲۴

## مواضع اصلاحی و انتقادی جمهوری اسلامی ایران به ساختارهای سازمان‌های بین‌المللی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سیداحمدرضا دست‌غیب / دانشجوی دکتری گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی dastgheib1@yahoo.com

محمدتقی رضایی / استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد سپیدان، دانشگاه پیام نور، سپیدان، ایران، نویسنده مسئول. rezaei.mt@yahoo.com

جلالیان، عسکر / دانشیار گروه حقوق، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران dr\_ajalalian@yahoo.com

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مواضع اصلاحی و انتقادی ج.ا. ایران و از جمله بررسی آراء آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. این سؤال مطرح است که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، راهکارهای اساسی برای اصلاح ساختارهای نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد کدام هستند؟ فرضیه این است: اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در بُعد سلبی، بر مبنای آشکار ساختن دخالت اعضای شورای امنیت در جنگ طلبی، نقض صلح و عدالت بین‌المللی و در بُعد ایجابی شامل دادن حق رأی و تو به کشورهای اسلامی و تقویت نهادهای حقوق بشری بر مبنای آموزه‌های غیرغربی است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که اصلاح ساختار سازمان‌های بین‌المللی نیازمند بازگشت به منطق دورنی این سازمان‌ها، اهداف و مواضع اولیه بنیانگذاران آن از جمله طرح شعار صلح و امنیت بین‌المللی است. تلاش برای گسترش چتر شعار صلح و امنیت بین‌المللی جهت مشارکت همه کشورهای جهان و خلع کامل سلاح‌های اتمی، تلاش برای ورود کشورهای مستقل و اثرگذار بین‌المللی در میان اعضای دائم شورای امنیت می‌تواند منجر به تکثرگرایی در عرصه اداره نهادهای بین‌المللی شود. دیدگاه ایشان می‌تواند مبنایی برای طرح داشتن حق رأی و تو از میان کشورهای اسلامی، طرح حقوق بشر اسلامی در نهادهای بین‌المللی و لزوم دخالت دادن ملت‌های مستقل و آزاد در تصمیم‌گیری‌های کلان بین‌المللی قلمداد شود. روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و بهره‌گیری از چارچوب نظری انتقادی است.

**کلیدواژه:** سازمان‌های بین‌المللی، آیت‌الله خامنه‌ای، صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

## مقدمه

تشکیل حکومت جهان کنونی نقش مهمی برای سازمان‌ها در نظر گرفته است. به طوری که اغلب مسائل و موضوعات مطرح شده در عرصه‌های حقوقی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی یا توسط نهادهای بین‌المللی اتخاذ می‌شود و یا اینکه در صورت گذر این مسائل از مرزهای سرزمینی وارد حیطه تصمیمات این سازمان‌ها می‌شوند. از طرفی دیگر، رویکردهای اتخاذ شده از سوی این نهادها همواره مورد پذیرش کشورهای مختلف نبوده است. بنابراین توسعه حضور فعال سازمان‌های بین‌المللی در عرصه‌های مختلف، موجب بروز اختلاف آن‌ها با کشورها و دیگر سازمان‌های بین‌المللی گردیده است. نهاد شورای امنیت یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی است که هرچند هدف اصلی آن برقراری صلح و امنیت بین‌المللی است، اما همواره دارای مخالفان و موافقانی بوده است. عدم مدیریت مؤثر، عدم حسن نیت در عملکرد سازمانی و همچنین سوءاستفاده از مزایا و مصونیت‌های اعطایی، دخالت در امور کشورهای مختلف، حمایت از جنگ‌طلبی و نادیده گرفتن حقوق جنگ‌دیدگان، محورهای اصلی انتقادات را تشکیل می‌دهند. در این میان، روش‌های محدودی نیز برای حل و فصل اختلافات الزام آور، میان سازمان‌های بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل وجود دارد که آن هم بدلیل تسلط برخی قدرت‌های جهانی (داشتن حق وتو) باعث ایجاد نارضایتی‌ها و بی‌عدالتی‌های متعددی شده است.

در همین راستا، بررسی رویکردها و مواضع نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت دارای اهمیت خاصی است. به این دلیل که اتخاذ رویه برابر و یا نابرابر از سوی این نهاد، نقش مهمی در تحقق شعار اصلی آن یعنی صلح و امنیت بین‌المللی دارد. بر این اساس، نهادسازی در جهان کنونی می‌بایست نقش کشورهای مختلف در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مختلف را در نظر بگیرد. به همین دلیل، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، پیشنهادات متعددی جهت اصلاح ساختارهای شورای امنیت، نحوه تصمیم‌گیری، داشتن حق وتو از سوی اعضای دائم آن و همچنین عدم جانبداری این نهاد از جنگ‌طلبی در جهان مطرح شده است که در این میان، بررسی رویکرد مطرح شده از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران دارای اهمیت خاصی است. زیرا براساس آنچه در آینده مطرح می‌شود، رویکرد ایشان هم در بُعد سلبی و هم در بُعد ایجابی، راهکارهای مناسبی جهت اصلاح شورای امنیت تلقی می‌شوند. بدین ترتیب هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مواضع

انتقادی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بدیهی است که بهره‌گیری از مواضع ایشان در قالب بیانات از جمله تأکید بر سخنرانی ایشان در سازمان ملل متحد به عنوان محور اساسی بحث حاضر قرار می‌گیرد. ساختار کار نیز بدین گونه است که ابتدا به سوابق تحقیق در این زمینه پرداخته می‌شود، سپس نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و به طور مشخص شورای امنیت در دستور کار قرار می‌گیرد. پس از آن، اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه مطرح می‌شود که در دو بُعد سلبی و ایجابی قابل بررسی است.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

مقاله "راهبردهای اتحاد جهان اسلام با ابتدای بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری" که توسط رجیبی (۱۳۹۸) نگارش شده است، به فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی جهان اسلام در نظام بین‌المللی معاصر می‌پردازد. از نظر نویسنده، تلاش برای رفع اختلافات مذهبی، تکیه بر عناصر و باورهای مشترک، شناسایی دشمنان مشترک، تدوین منشور وحدت اسلامی، جلوگیری از نشر آثار و تحقیقات تفرقه برانگیز و باور به وعده الهی مبنی بر پیروزی بر مشرکان از جمله راهبردهایی است که می‌تواند نظام سلطه را از حیث نظامی، قانونگذاری (مجامع بین‌المللی) و سلطه فرهنگی در هم بشکند. دیدگاه نویسنده از جهت پرداختن به آراء مقام معظم رهبری درباره ضرورت مبارزه با نظام سلطه، نقطه جدیدی است، اما غفلت از سازوکارهای عملی برای رفع مشکلات داخلی کشورهای اسلامی پژوهش مزبور را به طرح مباحث نظری محدود می‌کند. در مقاله "بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی" که توسط محمودی‌رجا و همکاران (۱۳۹۷) نگاشته شد، به این نتیجه رسیدند که محور مقاومت در منطقه به شکل قابل ملاحظه‌ای، نظام سلطه را به چالش کشیده است. نویسندگان بیشتر به ارتباط محور مقاومت با گفتمان انقلاب اسلامی از طریق نظریه نظام جهانی والرشتین پرداختند و مباحث مربوط به سازمان‌های بین‌المللی و نقشی که در حمایت از نظام سلطه دارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. عباسی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری»، به این نتیجه رسید که تعارضات نظام سلطه در نظریه و عمل در اندیشه ایشان، در موضوعات مختلفی از جمله دموکراسی، حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و صلح و امنیت بین‌المللی است. بر این اساس، مقام معظم رهبری با ترسیم افق سیاست‌های بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران به محور نظام سلطه اشاره می‌کند. در سوی مقابل نیز راهبرد ایجابی خود مبنی رویکرد عدالت محور و استکبارستیز انقلاب اسلامی ایران را مطرح می‌کند. نقطه مثبت پژوهش اخیر

رجوع به منطق نهادهای بین‌المللی جهت نشان دادن تعارضات آن در نظر و عمل است، اما ابهام در تعریف نظام سلطه منجر به پراکندگی بحث شده است. ناصر اسدی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)»، نقش رهبر جمهوری اسلامی ایران را نقشی برتر و معتبر می‌داند که هم به تعامل با دنیا و منطقه گرایش دارد و هم اینکه رویکرد ضدیت با نظام سلطه را در نظر دارد. این رویکرد نیز به نوبه خود برآمده از گفتمان استکبارستیز انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) است. درخشه، رحمتی و جاوری (۱۳۹۲) در پژوهش مشترک خود با عنوان «جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)»، همه عناوین «جهانی‌سازی، جهانی‌شدن و جهانی‌گری» را در یک راستا ارزیابی می‌کنند و بر این عقیده هستند که این عناوین یک تئوری شبه روشنفکرانه و توسط مجموعه‌ای از قدرت‌های جهانی غربی عنوان می‌شود تا در پس آن به اهداف خاص خود با استفاده از نهادهای بین‌المللی دست پیدا کنند. نقطه ضعف پژوهش اخیر، یکسان‌انگاری مفهومی است. به طوری که تفکیکی میان نظریات جهانی‌شدن و جهانی‌سازی قائل نمی‌شوند و آنان را پروژه‌ای غربی در نظر می‌گیرند. حال آنکه طیف زیادی از متفکران در غرب وجود دارند که بر ضد نظام جهانی‌شدن غربی نظریه‌پردازی می‌کنند و ابعاد ضعف آن را نشان می‌دهند. مقاله "روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری" (۱۳۸۵) که توسط ستوده نگارش شده است، به مؤلفه‌های نگرش مقام معظم رهبری نسبت به عرصه روابط بین‌الملل پرداخته است. نویسنده با طرح دیدگاه‌های رهبر انقلاب از جمله: نظام بین‌الملل سلطه، استکبار، روابط بین‌الملل عادلانه و طرح صلح در مجامع جهانی، چنین نتیجه می‌گیرد که ارزش‌گذاری در صحنه بین‌الملل نه بر مبنای امور معنوی، بلکه بر مبنای امور مادی و قدرت‌طلبی است. پژوهش اخیر به ابعاد روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد، اما به جنبه ایجابی دیدگاه رهبری درباره اصلاح شرایط و رویه نهادهای بین‌المللی ورود نمی‌کند.

## ۲-۱. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، انتقادی است. بدین معنا که بررسی اسناد و مدارک مرتبط با بحث از جمله بیانات رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای در دوره‌های مختلف گزینش و نسبت به بررسی آنان از منظر انتقادی پرداخته شده است. به طور مشخص، تفکیک آراء ایشان در زمینه انتقادات سلبی و ایجابی بر مبنای رویکرد توصیفی-تحلیلی

محور بحث حاضر را تشکیل می‌دهد. توجه به کاستی‌های ارکان سازمان‌های بین‌المللی از منظر متفکران انتقادی غربی نیز مدنظر پژوهش حاضر است.

## ۲. مبانی نظری؛ نظریه انتقادی و ساختار نظام بین‌الملل

نظریه انتقادی توسط طرفداران نظریات مارکسیستی مطرح شد و سپس با تغییر در برخی از مبانی اولیه نظریه مارکسیستی، مکتبی با عنوان مکتب فرانکفورت راه‌اندازی شد که همگی بر نقد نظام سرمایه‌داری و تلاش برای ایجاد نظم اجتماعی و سیاسی نوین تلاش می‌کردند. در یک نگاه کلی، از منظر انتقاد گرایان، نظریه اجتماعی نباید تنها توصیف‌گر باشد، بلکه باید نقد جامعه را مدنظر قرار دهد (چرنوف، ۱۳۹۳: ۳۶۴). این نظریه بلافاصله وارد عرصه روابط بین‌الملل شد. در این عرصه، این نظریه به دنبال آن است تا عدالت را در نظام بین‌الملل برقرار نماید. زیرا سیاست بین‌الملل به صورت کارکردی در روابط اجتماعی ناعادلانه سرمایه‌داری جای گرفته است (Femia, 2005: 341). در این صورت، نظریه‌پردازان انتقادی و طرفداران این نظریه در عرصه عمل، بیش از هر چیز به دنبال آن هستند تا کاستی‌های سیاست بین‌الملل را که در اختیار نظام سرمایه‌داری قرار دارد، در پوته نقد قرار داده و راه‌حلی برای حل این معضلات فراهم آورند. در این رویه، طیف زیادی از سیاستمداران و نظام‌های سیاسی مستقل نیز منتقد جریان سرمایه‌داری در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند.

علاوه بر این، تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان انتقادی به دنبال آن هستند تا از یک سو بر تاریخی بودن وضعیت موجود صحنه بگذارند و از طرفی دیگر، از شرایط موجود شیئی‌زدایی و طبیعت‌زدایی کنند. همچنین بدنبال آن هستند تا پیامدهای ناعادلانه را مورد توجه قرار دهند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۳). ضمن اینکه نظریه‌پردازان انتقادی بر این باور هستند که هیچ‌الگوی ثابت و نهایی برای همه جهانیان وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان در فضای متکثر جهانی، هیچ فرهنگ و یا دولتی را برتر تلقی نمود. همچنان که نمی‌توان هنجارهای جهانشمولی را برای سایرین وضع نمود (سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۶). بنابراین نظام بین‌الملل نیازمند تغییراتی اساسی برای در نظر گرفتن حقوق سایر ملت‌ها در سراسر جهان است. زیرا رویه کنونی حاصل تسلط ابرقدرت‌ها بر ملل مستضعف است و نسبتی با اهداف بنیادین سازمان‌های بین‌المللی که خود را نهادهایی مستقل و عادلانه می‌دانند، وجود ندارد. به همین دلیل نظریه انتقادی درصدد است تا با برملا ساختن این رویه و تلاش برای ساختن نظم نوین، عدالت را در عرصه نظام بین‌الملل حاکم نماید.

بدین ترتیب، راه‌هایی و مبارزه‌ها در پذیرش نظام موجود، بلکه تلاش برای تغییر آن و نقد فرهنگ جهانشمول در قالب نظریه انتقادی است (پولادی، ۱۳۸۸: ۴۴). هویت‌های انتقادی و مستقل با مشاهده این روند ناعادلانه، خواهان مداخله بیشتری برای اعمال نظریات خود هستند و به دنبال آن هستند تا سیاست، حقوق و تصمیم‌گیری در عرصه بین‌الملل را از چنگ قدرت‌های جهانی خارج نموده و نظمی مبتنی بر مشارکت همه ملل و دول آزاد و مستقل بنا نهند.

## ۱-۲. پیوند نظریه انتقادی و الگوی انتقادی انقلاب اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای

با تعاریفی که از نظریه انتقادی مطرح شد، امکان‌سازش و برقراری پیوند میان نظریات انتقادی و دیدگاه‌های مطرح شده پس از انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. زیرا جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا، نظام بین‌الملل را ناعادلانه می‌دانست و آن را به مثابه تسلط نظام سرمایه‌داری بر ملل ضعیف و یا آنچه امروزه در حال توسعه نامیده می‌شود، در نظر می‌گرفت. در این رویکرد، شکل‌گیری جامعه مبتنی بر عدالت، کرامت و عزت انسانی دارای اهمیت فراوانی است. اینها همه معیارهایی هستند که می‌توان جامعه الگو را براساس آنها سنجش نمود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۳۱). پس از انقلاب اسلامی و مخصوصاً تحت تأثیر شرایط برآمده از جنگ عراق علیه ایران، مواضع انتقادی ایران، حالتی تند و تجدیدنظرطلبانه به خود گرفت. رفتار تقابلی نظام بین‌المللی با ایران باعث بی‌اعتمادی و بدبینی جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت در دوران جنگ شد. حتی در این دوره نیز جمهوری اسلامی ایران نیز عملاً شورای امنیت سازمان مللی را به عنوان نهادی بین‌المللی و مرجع تشخیص و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی تحریم کرد. این رویکرد برگرفته از همان رویکردی است که تلاش برای تغییر بنیادین در نظام بین‌المللی را یک تکلیف دینی و شرعی می‌پندارند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۱۳). این تقابل آشکار تا جایی پیش رفت که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در جلسات شورای امنیت نیز حضور نیافته و رویکرد تقابلی را در پیش گرفتند.

از یک جهت دیگر می‌توان نظریه انتقادی را به مبحث صدور انقلاب نیز مرتبط دانست. زیرا در نظریه صدور انقلاب، علاوه بر صبغه ایدئولوژی برجسته‌ای که در آن دیده می‌شود، نوعی نگاه انتقادی نسبت به نظام بین‌الملل و رویه ناعادلانه حاکم بر آن وجود دارد. صدور انقلاب، سازوکاری برای اشاعه و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و رساندن پیام‌های بخش و آزادی‌بخش آن به ملت‌ها و مردمان دیگر است؛ فرآیندی که

الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف است تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن‌را تجربه کرده است: یعنی رهایی از قیدوبندهای استبداد و استکبار و برقراری عدالت و قسط در قالب یک نظام عادل اسلامی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). به عبارت دیگر صدور انقلاب به معنای بیداری ملل مستضعف و رهایی از سلطه سلطه‌گران است که با مفاهیم نظریه انتقادی هماهنگ است. بر این اساس، شیعیان مقاوم در برابر سلطه (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) اصلی‌ترین بازیگران مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه هستند، اما این بدان معنا نیست که فقط شیعیان در آن اثرگذار بوده‌اند (صالحی و ساسانیان، ۱۳۹۲: ۸۰). بر اساس این معنا و مفهوم از صدور، الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چارچوب گسترش اسلام سیاسی و بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی اتخاذ گردید. انقلاب اسلامی ایران حاصل قرائت خاص و اصیلی از اسلام بود که در آن دین و دولت، درهم آمیخته و تنیده‌اند. به طوری که اسلام یک ایدئولوژی است که در پی استقرار نظم سیاسی-اجتماعی در جامعه مسلمانان و در سطح بین‌المللی است. از این رو، نخستین گام در راه تدارک انقلاب مستمر در این دو سطح، اشاعه و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی و پیرو آن اشاعه اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی، همان قرائتی از اسلام است که امام خمینی (ره) اسلام ناب محمدی نامید. مهم‌ترین عنصر آن تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد که در ایران تحقق یافته است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۶۱). علاوه بر ضرورت تشکیل حکومت، اهداف و آرمان‌های آن در حوزه سیاست خارجی می‌بایست به گونه‌ای طراحی و دنبال شود که در چارچوب آن هم منافع ملت ایران تضمین گردد و هم اینکه یاری‌رسان مستضعفان عالم و مخصوصاً پیروان دین اسلام باشد.

با توجه به پیوندی که میان نظریه انتقادی، دیدگاه‌های منبعث از آموزه‌های انقلاب اسلامی و انتقادات نسبت به ساختار نظام بین‌الملل مطرح شد، پرداختن به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. آیت‌الله خامنه‌ای، بهره‌برداری قدرت‌های غربی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را موضوعی جدی تلقی می‌کند که با توجه به تعاملاتی که میان این کشورها و نهادها وجود دارد، نقشه‌هایی را برای نفوذ و تضعیف قدرت سایر کشورها به کار می‌گیرند. به تعبیر ایشان: «نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ کنند. وقتی دستگاه سیاسی و دستگاه مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه

تصمیمات در این کشور مطابق خواست و میل و اراد[ مستکبرین قرار می‌گیرد» (بیانات آیت-الله خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۱۵). این رویکرد بدبینانه و انتقادی، غالباً به عنوان نقشه راه جمهوری اسلامی در تعامل با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود.

با این حال، جمهوری اسلامی ایران در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن حفظ مواضع انتقادی خود، تعامل عزتمند و مستقل را در این فضای جهانی در پیش گرفته است. زیرا در فضای تعاملات امروزی در نظام بین‌الملل، همکاری و همگرایی بیشتر با سازمان‌های بین‌المللی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در سطح بین‌المللی است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴). همین رویه باعث شده تا نظام جمهوری اسلامی ایران در عین اینکه رویه مستقل خود را دنبال می‌کند، اما به دلایل متعددی از جمله نیاز داشتن به تعامل با سایر کشورها، ابلاغ و انتشار پیام خود در سطح جهانی و همچنین افزایش مشروعیت خود در داخل و خارج، با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کند. از جمله مواردی که در این دوره زمانی نشانگر تعامل جمهوری اسلامی ایران با نهادهای بین‌المللی است و در عین حال آگاه به نقشه‌های کشورهای قدرتمند در این نهادها است، برجام است. رهبر انقلاب در این باره نیز مطرح کردند: «این توافقی که نه در اینجا هنوز تکلیفش معلوم است، نه در امریکا؛ هم اینجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول، هم آنجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول-نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۹۴/۵/۲۶). از این جهت نگرش رهبر معظم انقلاب نسبت به گرداندگان نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نگاهی بدبینانه و انتقادی است که همواره استقلال کشورهای آزاد و ضد نظام استکباری از جمله جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار داده و خواستار از بین بردن این روحیه آزادی‌خواهی در میان ملل آزاد جهان هستند.

هرچند پژوهش حاضر درصدد بررسی پیامدها، نتایج و مثبت و یا منفی بودن، توافق برجام نیست، اما بررسی نگرش انتقادی رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به آن حائز اهمیت است. زیرا در عین تعامل با این نهادها و پذیرش قطعنامه‌ها و تصمیمات ناشی از آن، رویکرد مستقل و انتقادی خود را مطرح می‌کنند. وضعیت نابرابر امروزی در عرصه نظام بین‌الملل، از نظر رهبر انقلاب، ناشی از غفلت درونی کشورهای مستقل و آزاد و رویکرد بی‌رحمانه ابرقدرتها در دوران معاصر است. ایشان در این زمینه بیان می‌کنند: «...به دنبال همین جنگها بود که بنای غلط و هندسه‌ی معیوب سازمان ملل و شورای امنیت و دولت‌های دارای حق و توشکل



گرفت. یعنی همان دست‌ها و سرپنجه‌های خونینی که آن جنگ‌های مهلک را به راه انداختند، به دنبال آن خواستند اختیار دنیا را به دست بگیرند و این منطقه حساس و مهم و سرشار از نعمت و مرکز اتحاد بالقوه‌ی دنیای اسلام را تحت سیطره‌ی خود در آورند؛ و همین کار را کردند. ما غافل بودیم؛ ملت‌های مسلمان در خواب بودند؛ به آنها هجوم آورده شد؛ سرنوشت آنها با مشکلات پیچیده و عظیمی که هنوز در گیر آن مشکلاتند، در آمیخته شد» (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۵/۲۹). بدین ترتیب، یکی دیگر از رفتارهای عدالت‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی، تلاش برای اصلاح و تغییر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌باشد؛ زیرا از نظر جمهوری اسلامی ایران، این نهادها و سازمان‌ها، کارگزاران نظام سلطه و مشروعیت‌بخش به روابط و مناسبات ناعادلانه در سطح بین‌المللی هستند. این نهادها و سازمان‌ها معلول توزیع نابرابر قدرت در نظام بین‌الملل بوده و این مناسبات ناعادلانه را نهادینه می‌کنند. نمونه بارز این بی‌عدالتی و نابرابری در سطح بین‌المللی، حق و توی قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل متحد است، موضوعی که جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، به مخالفت با آن پرداخته و خواهان اصلاح و الغای آن می‌باشد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). این موضوع هرچند در برخی ادوار جنبه‌های مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه‌ای به خود گرفته است، اما اغلب بر مبنای مخالفت و انتقاد از جایگاه نهادهای بین‌المللی به پیش می‌رود. بر همین اساس، رویکرد انتقادی آیت‌الله خامنه‌ای، جنبه ایجابی نیز به خود می‌گیرد. رهبر انقلاب با طرح رویکرد جایگزین نظام ناعادلانه بین‌المللی، حتی از دبیر کل سازمان ملل (بان کی مون) درخواست کرد تا با مسأله «خلع سلاح اتمی»، عرصه را بر زورگویی‌های قدرت‌های استکباری تنگ نماید. این موضوع در دیدار با دبیر کل وقت سازمان ملل این گونه مطرح شد: «در مورد موضوع «خلع سلاح اتمی» ملاحظه‌ی هیچ قدرتی را نکنید و از فرصتی که اکنون برای شما فراهم شده است، به‌درستی استفاده کنید» (بیانات رهبری در دیدار با بان کی مون، ۱۳۹۱/۶/۸). با این اوصاف با در نظر داشتن رشته‌های پیوند قوی میان نظریه انتقادی، الگوی انتقادی و مستقل انقلاب اسلامی و همچنین عناصر مشترکی که میان این دیدگاه‌ها دیده می‌شود، پرداختن به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره اصلاح ساختارهای سازمان‌های بین‌المللی از حیث سلبی و ایجابی، می‌تواند افق روشنی در هم افزایی دیدگاه‌های انتقادی فراهم نماید.

### ۳. رویکرد سلبی و ایجابی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به سازمان‌های بین‌المللی

### ۱-۳-۱- ابعاد سلبی

#### ۱-۳-۱-۱. نقض صلح و عدالت بین‌المللی

بررسی مواضع آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای زیرمجموعه آن یعنی شورای امنیت سازمان ملل، بیانگر رویه انتقادی ایشان در این زمینه است. این موضوع در وهله اول با تشریح اهداف اصلی این سازمان‌ها و از دل منطقه تشکیل این نهادها بیان می‌شود. به بیان ایشان: «صلح بی‌شک کلمه‌ای زیبا و جذاب است؛ تا آن حد که آتش‌افروزان بزرگ بین‌المللی و پدید آورندگان سلاحهای جهان‌سوز نیز بدان علاقه نشان می‌دهند، و ریاکارانه از آن دم می‌زنند. اما به نظر ما عدالت - واژه‌ای که زورمندان و متجاوزان همواره با ترس و احتیاط بدان می‌نگرند - از صلح بالاتر و مهم‌تر است. ای بسا مظلومانی که زندگی را و رفاه را و صلح را به خاطر رسیدن به عدالت فدا کرده‌اند، اینها همواره قهرمان شناخته شده‌اند. شهرهای اروپا هنوز به مقاومت خود در برابر تجاوز هیتلری افتخار می‌کنند، و لنین‌گرا در هنوز به خودسوزیاش که ارتش ناپلئون را ناکام و مهیوط کرد و به مقاومت چهار ساله‌اش در محاصره‌ی مهاجمین نازی به خود می‌بالد. سازمان ملل بخصوص بنا بر اولین ماده منشور خود موظف به تأمین عدالت در شکل ویژه‌اش - یعنی مقابله‌ی با متجاوز - است. ما همین را از دنیا و از سازمان ملل می‌طلبیم» (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

بنابراین درخواست برای برقراری صلح و عدالت بین‌المللی به عنوان هدف اصلی نهادهایی همچون سازمان ملل و شورای امنیت سازمان ملل از خواسته‌های آیت‌الله خامنه‌ای است. با این حال، شکل و ساختار این نهاد و گنجانده شدن حق و تو برای قدرت‌های پنج‌گانه در دل این نهاد، رویکرد عدالت‌محوری و مقابله با تجاوزات را از آن می‌ستاند. در همین راستا نیز برخی بر این عقیده هستند که ظرفیت سازمان ملل برای بدل شدن به شکلی از حکومت جهانی، در اثر این واقعیت که سازمانی آفریده‌ی اعضای خود است، محدود می‌شود: این سازمان نمی‌تواند کاری و رای خواست دولت‌های عضو خود، و به ویژه اعضای دائم شورای امنیت انجام دهد. بنابراین، نقش آن به ایجاد سازوکارهایی برای آسان‌سازی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی محدود شده است (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۲۶). به همین دلیل، لشکرکشی‌های نظامی قدرت‌های بزرگ، قطعنامه‌های اتخاذ شده بر علیه کشورهای مختلف از جمله ایران، متهم ساختن کشورها به نقض حقوق بشر و همچنین ممانعت به عمل

آوردن از دستیابی کشورها به انرژی هسته‌ای به عنوان بخشی از ابزارهای اعضای شورای امنیت در راستای نقض صلح و عدالت بین‌المللی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در دوران ریاست جمهوری تنها یک بار و در سال ۱۳۶۶ برای ایراد سخنرانی به سازمان ملل متحد رفته بود، رویکرد جمهوری اسلامی ایران را به خوبی تشریح نموده است. هرچند بعدها در دوران رهبری و در محافل مختلف، بیانات، سخنرانی و نشست‌های گوناگون، انتقادات خود را از نهادهای بین‌المللی بیان کرده بود. با این حال، هنگام سخنرانی در سازمان ملل، در زمینه جنگ عراق علیه ایران و سکوت شورای امنیت درباره اقدامات جنگ طلبانه عراق نکات قابل توجهی را مطرح کردند. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، سکوت شورای امنیت و به رسمیت نشناختن عراق به عنوان متجاوز جنگی، مصداقی برای نقض اهداف شورای امنیت تلقی می‌شد. به بیان ایشان: «این اولین اقدام شورای امنیت بود، که در آن وظائف اصلی شورا - یعنی نگاهبانی از صلح و امنیت بین‌المللی به شکل زشت و تأسفانگیزی - بوسیله‌ی خود آن شورا پایمال می‌شد. پس از آن شورای امنیت را سکوتی مرگبار فرا گرفت، و تا آزادی خرمشهر - عملیاتی که در آن ستون فقرات نیروهای اشغالگر شکست، و هزاران نفر از آنان به وضع ذلت‌باری اسیر شدند - جنگ خونین و مستمری را که خبرهای آن در صدر اخبار جهان بود فراموش کرد» (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

بنابراین نادیده گرفتن تجاوز آشکار عراق علیه ایران یکی از انتقادات اساسی وارده بر شورای امنیت سازمان ملل بود که در طی مدت ۸ سال جنگ در قالب قطعنامه‌های مختلف و با دسیسه‌های مختلف دنبال می‌شد. این رویکرد تا پایان جنگ و با متخاصم شناخته عراق ادامه پیدا کرد. به نظر می‌رسد این رویه همچنان به عنوان یکی از انتقادات اساسی بر علیه شورای امنیت قابل طرح است. به همین دلیل گفته می‌شود که بهره‌گیری غرب از شورای امنیت، بخشی از برنامه آن برای اعمال سلطه جهانی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی است. در این حال، جنگ سال ۲۰۰۳ در عراق ممکن است به عنوان نمونه‌ای از بهره‌گیری از حقوق بشر برای مشروع جلوه دادن توسعه طلبی سیاسی [غرب] در نظر گرفته شود (برنل و رندال، ۱۳۸۹: ۲۹۷-۲۹۸).

بدین ترتیب در زمینه سازمان‌های فراملیتی، همچنان شاهد هستیم که این سازمان‌ها زمانی که منافع ملی و مسائل سیاسی یک کشور در میان باشد، رنگ می‌بازند. برای مثال، کارکرد شورای امنیت سازمان ملل - که بزرگترین و معتبرترین سازمان فراملی است - حاکی از آن

است که این سازمان عملاً بازیچه کشورهای قدرتمند است و این کشورها برای منافع خود از آن استفاده می‌کنند و خود این سازمان فراملی هیچ نوع اختیاری ندارد. هر زمان که در این سازمان از منافع ملی کشورها سخن به میان می‌آید، کشورها براساس آن تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، حمله آمریکا به عراق و افغانستان بدون توجه به موافقت شورای امنیت نمونه‌ای از تصمیم‌گیری کشورها بر اساس منافع ملی است (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹). همین انتقاد نیز به شکل کاملاً واضحی در آراء و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز دیده می‌شود. بنابراین عدم رعایت اصل «بی‌طرفی» به عنوان مهم‌ترین معضل شورای امنیت به شمار می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای در همان سخنرانی مشهور خود در سازمان ملل، این انتقاد را بدین شکل مطرح می‌کند: «...انتظار داریم شورای امنیت بنا به وظیفه‌ی خود از امکانی که به وی ارائه شده به درستی استفاده کند. آیا شورای امنیت برای تخلف از اولین وظیفه خود - یعنی مقابله با تجاوز که در ماده‌ی اول منشور از همه هدف‌های دیگر ارجح شمرده شده - استدلالی دارد؟ آیا برای مقابله با تهدید صلح و نقض صلح و توسل به زور مفاد مواد فصل هفتم چقدر عراق را تحت فشار گذارده است؟ بی‌طرفی کمترین چیزی است که جمهوری اسلامی - که خود قربانی تجاوزگری خونین و خسارت‌بار قرار گرفته - می‌تواند از شورای امنیت انتظار داشته باشد. زیرا وظیفه آن شورا مقابله با تجاوز و حمایت از قربانی تجاوز است، و نه بی‌طرفی میان این دو؛ اما آیا شورای امنیت می‌تواند ادعا کند که در این رابطه حتی بی‌طرف بوده است؟ احساس ما این است که شورای امنیت تحت تأثیر خواست و اراده‌ی برخی از قدرت‌های بزرگ - مخصوصاً آمریکا - در موضعی چنین ناشایسته و محکوم شونده قرار گرفته است. در این صورت باید گفت بنای امنیتی که به پشتیبانی چنین شورای امنیتی نهاده شده، کاخی پرزرق و برق از مقواست. ملت‌ها - مخصوصاً ملت‌های جهان سوم و به ویژه آنان که مایلند کاملاً مستقل از ابرقدرت‌ها زندگی کنند - هرگز نمی‌توانند تضمین امنیت خود را از این شورای امنیت بخواهند» (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

### ۲-۱-۳. نقض حقوق بشر و تسلط قدرت‌های بزرگ

مواضع انتقادی آیت‌الله خامنه‌ای بر علیه شورای امنیت، شامل رویکرد ضد حقوق بشری این نهاد بین‌المللی نیز می‌شود. به طوری که ایشان در زمان تصدی منصب رهبری، همواره انتقادات خود را نسبت به عملکرد جانبدارانه این نهاد بین‌المللی بیان می‌کردند. به بیان ایشان: «متأسفانه ترکیب سازمان ملل متحد معیوب است و زورگوترین قدرت‌های دنیا که دارای

سلاح اتمی و سابقه استفاده از آن نیز هستند، بر شورای امنیت مسلط شده‌اند» (بیانات رهبری در دیدار با بان کی مون، ۱۳۹۱/۶/۸).

از نظر رهبر انقلاب اسلامی، ساختار شورای امنیت به گونه‌ای است که هرگز نمی‌توان انتظار اتخاذ رویه دموکراتیکی را از آن سراغ گرفت. رهبری در این زمینه باز هم بیان می‌کند: «شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیر دموکراتیک است؛ این یک دیکتاتوری آشکار و یک وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است. با سوءاستفاده از همین سازوکار غلط است که آمریکا و همدستانش توانسته‌اند زورگوئیهای خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند. آنها می‌گویند «حقوق بشر»، و منافع غرب را اراده می‌کنند؛ می‌گویند «دموکراسی»، و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند؛ می‌گویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع روستاها و شهرها را آماج بمب‌ها و سلاح‌های خود می‌سازند. در نگاه آنها، بشریت به شهروندان درجه یک و دو و سه تقسیم می‌شوند. جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت گذاری می‌شود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود» (سخنرانی رهبر انقلاب در جمع اعضای جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹).

از نظر رهبر انقلاب، گره زدن «امنیت»، «دموکراسی» و «حقوق بشر»، آنچنان که قدرت‌های جهانی در پس نقاب شورای امنیت مطرح می‌کنند، ظلمی آشکار بر علیه سایر کشورهای مستقل و آزاد به شمار می‌رود. برای مثال، تحمیل حقوق بشر بر همه جهان، نشانگر ناشکیبایی و رفتار امپریالیستی است که نمی‌توان آن را توجیه کرد. این منطق اخلاقی ممکن است با تکیه بر این ایده‌های تاریخی پشتیبانی شود: ۱- مفهوم حقوق بشر، مفهومی غربی است. ۲- غرب پیشینه‌ای از امپریالیسم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد که هنوز پایان نیافته است (برنل و رندال، ۱۳۸۹: ۲۹۷). بنابراین تداوم این رویه در قالب نهادسازی از جمله شورای امنیت سازمان ملل و نهادینه کردن این زورگویی در قالب قطعنامه، منشور و اهداف سازمان، تنها با هدف توجیه این نابرابری انجام می‌شود. از این منظر باید گفت اگر چه سازمان ملل متحد (برخلاف جامعه ملل) بی‌تردید جایگاه خود را در مقام مجمع جهانی واقعی تثبیت کرده است، و بیشتر مردم آن را بخش جدایی‌ناپذیر صحنه سیاسی بین‌المللی می‌دانند، به دشواری می‌توان گفت که مطابق انتظارات بنیان گذارانش عمل کرده است، یا شاید هرگز بتواند عمل کند (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۲۴). به نظر می‌رسد همین رویه را نیز می‌توان به عملکرد شورای امنیت

سازمان ملل نیز تسری داد. چه اینکه شورای امنیت امروزه نقش مهمی در تصمیمات سیاسی در سطح بین‌الملل ایفا می‌کند.

با این حال از نظر رهبر انقلاب، آنچه مبرهن است، تسلط امریکا و سایر قدرت‌های جهانی همسو با این کشور و توجیه کردن تجاوزات و دخالت‌ها در امور سایر کشورهاست که توسط شورای امنیت نیز حمایت می‌شود. به طور مشخص، رهبری انقلاب، این تبعیض و ظلم را درباره رویکرد دوگانه امریکا در قالب یکی از اعضای شورای امنیت در قبال مسأله فلسطین و حمایت از رژیم صهیونیستی بیان می‌کنند. به تعبیر ایشان: «چنین کشوری، در مقابل چشم مردم دنیا، بزرگترین ظلم‌ها را به اعراب مسلمان صاحب آن سرزمین - نه فقط ساکن آن سرزمین؛ مالک آن سرزمین - می‌کند. از صد مورد ظلم آنها، یکی هم مورد تعرض قدرت‌های جهانی قرار نمی‌گیرد و تازه اگر یک مورد از ظلمشان - مانند مورد اخیر - در شورای امنیت مورد تعرض قرار گیرد و قطعنامه‌ای علیه رژیم صهیونیستی صادر شود، امریکا آن را تو می‌کند! شما ببینید چقدر این‌ها بد کردند؛ چقدر این‌ها طرفدار سیاهی و ظلم و زشتی‌اند» (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱).

### ۲-۳. وجه ایجابی

انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن، رویکردهای استکبارستیزانه برخاسته از آن همواره راهنمای روشنی برای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در سراسر جهان بوده است. امام خمینی (ره) در این زمینه چنین می‌فرماید: «مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدا برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند» (امام خمینی، ۱۳۶۸: صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸-۳۶). پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز چنین رویه‌ای را دنبال نمودند و با بهره‌گیری از آموزه‌های ناب انقلاب اسلامی، رویه استکبارستیزی انقلاب اسلامی را نیز دنبال نموده است. بر همین اساس، ایشان بر این عقیده است که: «... خصوصیت و پیام‌های ناب، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و لذا ملت‌های مسلمان تحت تأثیر پیام‌های انقلاب اسلامی قرار گرفتند و از حرکت اسلامی مردم ایران الگوبرداری کردند و بیداری اسلامی و عزت و اقتدار مسلمانان سراسر عالم را به حرکت درآورد، هر جا مسلمانی بود علیه بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های استکبار و دست‌نشاندها آنان برآشوبید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۶۴). بنابراین تسری این رویه و معرفی این الگو به سایر نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت، نقش مهمی در شکل‌گیری یک الگو برای از بین بردن بی‌عدالتی‌های سازمان‌یافته بین‌المللی است.

الگوی موردنظر رهبر انقلاب اسلامی با معرفی آموزه‌های اسلامی در زمینه صلح، عدالت و آزادی همه ملت‌ها در سراسر عالم است. چنانچه در سازمان ملل، طرح ایجابی خود را نیز چنین مطرح می‌کنند: «میان نژادها، رنگها، مردم سرزمین‌ها هیچ تفاوت نیست، و اینها مایه‌ی برتری کس یا ملتی نیست. انسانیت پیوسته است، و تعرض به یک انسان تجاوز به همه انسانیت است؛ بدون دخالت خصوصیات جغرافیائی و نژادی. برتری جوئی و انحصارطلبی برادری را به جان برادری افکند و خونی که جاری شد دیگر فرو نشست، و شبیه آن ضربه و آن انگیزه، جوی‌های خون به راه انداخت و میان برتری جویان و قربانیان برتری جوئی دریا‌های خون پدید آورد و آسایش از بشر گرفته شد. پیغمبران مردم را به بندگی خدا- که پتکی بر سر خودخواهی و برتری جوئی است- فراخواندند، و آئینی که بهشت صفا و آرامش را حتی پیش از بهشت اخروی به بشر ارزانی می‌داشت بدو عرضه کردند، و او را به مهار کردن غریزه‌ی افزون‌خواهی و سلطه‌جویی تشویق نمودند، و از تباه شدن و هرز رفتن استعدادها و غلتیدن در لجن‌زار فساد اخلاقی برحذر داشتند، و سرچشمه‌های فضیلت و راستی و محبت و کار و ابتکار و دانش و آگاهی را در او جاری ساختند، و یاد خدا و عشق به او را - که ضامن این همه و تعالی‌بخش روان اوست - بدو تلقین کردند (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

به نظر می‌رسد گام بعدی در رسیدن به چنین الگویی، مشارکت دادن سایر کشورها و نمایندگان آنان در مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت، مؤسسات حقوق بشری، اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان است تا از این طریق، هم نقش قدرت‌های بزرگ کاسته شود و هم جایگاهی برای سایر گفتمان‌های مطرح در سراسر جهان پدیدار گردد. چه اینکه نهادهای مختلفی در عرصه نظام بین‌الملل پدیدار شده است که هر کدام دنباله‌رو سیاست‌های نهادهایی همچون شورای امنیت هستند. در این زمینه می‌توان به مؤسسه دموکراسی و مشارکت دیده‌بان حقوق بشر در نیویورک، مؤسسه خانه آزادی در واشنگتن و یا سازمان عفو بین‌الملل اشاره کرد (رئیس‌زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۳۹). نهادهای مزبور که با حمایت‌های قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده پدید آمده‌اند، غالباً حامی نهادهای بالادستی از جمله شورای امنیت سازمان ملل هستند. بنابراین راه اول این است که نقش سایر کشورهای جهان را در چنین نهادهایی تقویت نمود و یا اینکه نهادهای جدیدی همسو با فرهنگ و به تبع آن سیاست-های منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای آزاد و مستقل پدید آورد. به طور مشخص، پیشنهاد رهبر انقلاب برای ورود کشورهای اسلامی به چنین نهادهایی بدین‌گونه مطرح می‌شود:

«تلاش برای برجسته‌تر شدن نقش اسلام در روند جامعه جهانی، پیگیری حق کشورهای اسلامی برای داشتن یک نماینده دائم دارای حق و تو در شورای امنیت، مجموعه‌سازی با دیگر کشورهای اسلامی، گسترش روابط با کشورهای آسیایی، توسعه توأم با دقت و هوشیاری روابط با اروپا، ایستادگی کامل در برابر "رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آمریکا در حمایت از این رژیم" و تبیین مواضع روشن جمهوری اسلامی در قبال مسأله فلسطین باید از اولویت‌های دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور باشد» (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹/۵/۲۵).

بنابراین آنچه موردنظر رهبر انقلاب اسلامی است، الگویی فراگیر شامل دخالت دادن کشورهای مسلمان در نظم و امنیت بین‌المللی است که خود به معنای توجه به گفتمان اسلامی در زمینه‌های مختلف حقوق بشری، روابط بین‌المللی و مدیریت نوین جهانی است. از این منظر، سیاست اسلامی به عنوان یک «دیگری»، جایگاه برجسته‌ای در عرصه مدیریت جهانی و اداره نهادهای مختلف بین‌المللی ایفا می‌نماید. به عنوان مثال استدلال این است که جامعه جهانی در زمینه حقوق بشر نیازمند فرارفتن از آموزه‌های لیبرالی در زمینه حقوق بشر است. در واقع ما باید به دنبال سازش عقاید گوناگون در جامعه باشیم و تا حد ممکن فراگیری را افزایش دهیم؛ اما این خطر وجود دارد که در جوامع لیبرال افراد درصدد اعمال حقوق سیاسی خود برنیایند و بدین وسیله مبنای نهادهای مشترک تضعیف شود (فالكس، ۱۳۹۰: ۱۴۶). اما آنچه روشن است اینکه نهادهای مختلفی از جمله شورای امنیت، به تنهایی و توسط چند کشور نمی‌توانند صدای رسای همه ملت‌های جهان تلقی شوند. به همین دلیل رهبر انقلاب اسلامی به طور واضح پیشنهاد خود را چنین مطرح می‌کنند: «سازمان کنفرانس اسلامی باید به نمایندگی از ۵۵ کشور اسلامی و یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان، یکی از اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل شود و تا حق و تو باقی است، ششمین عضو دارای حق و تو باشد» (بیانات رهبری در هشتمین اجلاس کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸).

الگوی ایجابی رهبر انقلاب برای اصلاح نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت براساس رویه جهان کنونی است که در آن، هم نقش سایر کشورها تقویت شود و هم اینکه حقوق نیمی از جمعیت کره زمین از جمله مسلمانان مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به تعبیر ایشان: «خوشبختانه چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چند وجهی است که در آن، قطب‌های سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های



متنوع و با خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند. اتفاقات شگرفی که در سه دهه اخیر شاهد آن بوده‌ایم، آشکارا نشان می‌دهد که برآمدن قدرت‌های جدید با بروز ضعف در قدرت‌های قدیمی همراه بوده است. این جابه‌جائی تدریجی قدرت، به کشورهای عدم تعهد فرصت می‌دهد تا نقش مؤثر و شایسته‌ای را در عرصه‌ی جهانی بر عهده بگیرند و زمینه یک مدیریت عادلانه و واقعاً مشارکتی را در پهنه گیتی فراهم آورند. ما کشورهای عضو این جنبش توانسته‌ایم در یک دوران طولانی، با وجود تنوع دیدگاه‌ها و گرایش‌ها، همبستگی و پیوند خود را در چهارچوب آرمان‌های مشترک حفظ کنیم؛ و این دستاورد ساده و کوچکی نیست. این پیوند می‌تواند دستمایه گذار به نظامی عادلانه و انسانی قرار گیرد (سخنرانی رهبر انقلاب در جمع اعضای جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹).

این پیشنهاد از سوی رهبر انقلاب اسلامی به دلایل مختلفی از جمله ضرورت ایجاد صلح واقعی و پایدار، دخالت دادن سایر کشورهای جهان در نهادهایی مانند شورای امنیت، نقش آفرینی آنان در تدوین برنامه‌های حقوق بشری و همچنین کاستن از نقش قدرت‌های بزرگ در دخالت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رویکرد حکیمانه و جهانشمول بدین گونه بیان می‌شود: «صلح و امنیت بین‌المللی از جمله‌ی مسائل حادّ جهان امروز ما است و خلع سلاح‌های کشتار جمعی و فاجعه‌بار، یک ضرورت فوری و یک مطالبه‌ی همگانی است. در دنیای امروز، امنیت، پدیده‌ای مشترک و غیرقابل تبعیض است. آنها که سلاح‌های ضد بشریت را در زرادخانه‌های خود انبار می‌کنند، حق ندارند خود را پرچمدار امنیت جهانی قلمداد کنند. این - بی‌شک - نخواهد توانست نیز امنیت را برای خود آنها به ارمغان آورد. امروز با تأسف فراوان دیده می‌شود که کشورهای دارنده‌ی بیشترین تسلیحات هسته‌ای، اراده‌ای جدی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین‌المللی خود می‌دانند» (سخنرانی رهبر انقلاب در جمع اعضای جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹). بنابراین اصلاح نهادهایی همچون شورای امنیت با اتخاذ گام‌هایی روشن و آشکار از جمله خلع سلاح جهانی مخصوصاً کشورهای هسته‌ای که دارای حق و تو در سطح جهان هستند، قابل دستیابی است. ضمن اینکه جهانی تلقی نمودن امنیت و مقابله با تسلیحات هسته‌ای قدرت‌های بزرگ، دخالت دادن سایر کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی گام‌های مهمی برای رسیدن به چنین الگوی مطلوبی است.

### نتیجه‌گیری

اصلاح ساختارهای نهادهای بین‌المللی نیازمند تلاش و مساعی جمعی کشورهای مختلف جهان و از جمله کشورهایی است که صدایشان در عرصه بین‌الملل چندان رسا نیست و یا توسط قدرت‌های بزرگ شنیده نمی‌شود. برای حل این نابرابری‌ها در وهله اول نیازمند رجوع به منطق درونی این سازمان‌ها از جمله نهاد اثرگذار شورای امنیت سازمان ملل متحد هستیم. آنچه در آراء رهبر معظم انقلاب اسلامی دیده می‌شود، الگوی مطلوبی از همگرایی و همکاری برای مقابله با نابرابری‌های موجود در عرصه مدیریت جهانی و از جمله نهادهای اثرگذار بین‌المللی است. اما دستیابی به این سطح از برابری نیازمند همگرایی میان کشورهای اسلامی، تلاش برای ورود کشورهای در حال توسعه به جرگه اعضای دائم شورای امنیت، طرح مباحث حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر آفریقایی، حقوق بشر امریکای لاتین برای شکستن انحصار گفتمانی غرب در این نهادها است. حصول این اهداف نیازمند همگرایی و توجه به نقاط مشترک است. از جمله می‌توان به تجارب تلخ استعمار، نادیده گرفتن حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی در نقاط مختلف جهان و حمایت کشورهای دارای حق رأی و تو از جنگ و تبعیض در نقاط مختلف جهان اشاره نمود که می‌توان مبنای سلبی برای اجماع جهانی باشد. این راهکارها به صراحت در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری از جمله در دیدار با بان کی مون و طرح «خلع سلاح اتمی» همه کشورهای جهان نمود یافته است. در وجه ایجابی نیز تلاش‌های برای ایجاد نظام‌ها و نهادهای منطقه‌ای، دخالت دادن سایر کشورها در داشتن حق و تو (از جمله اختصاص یک رأی به کشورهای اسلامی)، طرحی مطلوب انگاشته می‌شود. بر این اساس، دخالت دادن کشورهای مختلف جهان بر مبنای داشتن حق رأی و تو، شرکت دادن آنان در مجامع حقوق بشری، تقویت نهادهای منطقه‌ای جهت حضور همه ملت‌های آزاد و مستقل جهان، به‌عنوان پیش‌زمینه‌های مدیریت نوین جهانی و از جمله اصلاح ساختارهای شورای امنیت دنبال می‌شود.

## منابع و مأخذ:

- اسدی، ناصر (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)، **فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- اسلامی، محسن، داوند، محمد، داوند، حجت (۱۳۹۵)، بحران نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ بستری مساعد برای اندیشه ورزی اسلامی، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره اول، شماره بیست و دوم، صص ۲۳۶-۲۱۱.
- برنل و رندال، پیتر و ویکی (۱۳۸۹)، **مسائل جهان سوم؛ سیاست در جهان در حال توسعه**، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- پولادی، کمال (۱۳۸۸)، **تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم)**، تهران: نشر مرکز.
- چرنوف، فرد (۱۳۹۳)، **نظریه و زیر نظر به در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- حافظ نیا، محمدرضا، جان پرور، محسن، مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها، **فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، دوره چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۸۹، صص ۵۵-۳۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰)، **ویژگی‌های انقلاب اسلامی**، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۴.
- درخشه، جلال، رحمتی، مسعود، جاوری، محمدجواد (۱۳۹۲)، جهانی سازی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، **فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۴۴-۱۲۷.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، رادفر، فیروزه (۱۳۸۹)، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، **مجله دانش سیاسی**، شماره ۲، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی رهایی بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۲۸-۳۰۲.
- رجبی، هادی (۱۳۹۸)، راهبردهای اتحاد جهان اسلام با ابتنای بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، **پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال نهم، شماره سوم، صص ۸۵-۶۱.
- رئیس‌ی زکی و درخشنده، لایلا و مریم (۱۳۹۴)، نقش و جایگاه حقوق بشر به عنوان قدرت نرم در سیاست خاورمیانه ای امریکا، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۹۴، صص ۲۴۵-۲۳۳.
- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری، **مجله حصون**، شماره ده، صص ۴۵-۶۰.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۴)، چشم‌انداز رهایی بشر در نظریه اسلامی و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل: رویکردی تطبیقی، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، شماره چهارم، صص ۴۸-۲۷.
- صالحی، جواد، و ساسانین، سعید (۱۳۹۲)، بررسی تغییرات سامانه نظم از تحولات خاورمیانه با تمرکز بر ژئوپلیتیک شیعه در سال ۲۰۱۱، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، دوره سوم، شماره دوم، صص ۹۵-۷۳.
- طباطبایی، سعید علی (۱۳۸۶)، **چشم‌انداز سازمان‌های بین‌المللی در جهان امروز، در کتاب ایران و سازمان‌های بین‌المللی**، تهران: مرکز انتشارات تحقیقات استراتژیک.
- عباسی، مجید (۱۳۹۷)، نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۲-۹.
- عیوضی، محمدرضا (۱۳۸۷)، تحلیلی بر سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد، **مجله راهبرد یاس**، شماره ۱۴، صص ۲۳۰-۲۰۹.
- فالكس، کیت (۱۳۹۰)، **شهروندی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ دوم، تهران: نشر کویر.
- محمودی رجا، زکریا، باقری دولت آبادی، علی، راوش، بهنام (۱۳۹۷)، بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، **فصلنامه مطالعات پیداری اسلامی**، سال هفتم، شماره چهاردهم، صص ۳۱-۷.
- هیود، اندرو (۱۳۸۹)، **سیاست**، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ اول، تهران: نشر نی
- لاتین**
- Femia, J (2005), Gramsci, Machiavelli and International Relation, **The Political Quarterly** 42, P.P. 341-349.
- سایت‌ها:**
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۹۴/۵/۲۶؛ بازیابی در سایت به آدرس زیر:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524>
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۱۵؛ بازیابی در سایت به آدرس زیر:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>
- سخنرانی رهبر انقلاب در جمع اعضای جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/9705>
- سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>

بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه،  
۱۳۷۹/۵/۲۵ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18427>

بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۷/۱/۱؛ قابل‌بازایی در  
سایت به آدرس: [www.yjc.ir/fa/news/7112944](http://www.yjc.ir/fa/news/7112944)

بیانات رهبری در هشتمین اجلاس کشوری عضو سازمان  
کنفرانس اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸؛ قابل‌بازایی در سایت به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=802>

بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان نظام و سفرای کشورهای  
اسلامی، ۱۳۹۱/۵/۲۹؛ بازایی در سایت به آدرس زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20807>

بیانات رهبری در دیدار با بان کی‌مون، ۱۳۹۱/۶/۸؛ بازایی در  
سایت به آدرس زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=20862>